

یادداشت

به مناسبت بازگشایی مدارس آموزش و پرورش و دیگر گونی‌های گفتمانی



مهدی بهلولی عضو انجمن کارشناسان آموزش و پرورش

یکی از گفتمان‌های هر جامعه‌ای، گفتمان آموزشی است که البته با دیگر گفتمان‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه در پیوند است. در جامعه چندگانه جهان امروز، البته شاید باید از «گفتمان‌ها» سخن گفت، برای نمونه گفتمان‌های سیاسی در گستره آموزش نیز گفتمان‌های آموزشی داریم که برخی فراگیر و چیره‌ترند و برخی محدودتر؛ برخی به‌روز و کارآمدتر و برخی کهنه و کم‌بازده‌تر. برخی رو به صنعت و کار و خردابزایی دارند و در افاق دیدشان جامعه‌ای می‌نمایند با فناوری نوین اما نه به‌ناگزیر با انسان‌هایی پرشکر و اخلاقی و برخی نگاهشان بیشتر رو به خرد سنجشگر، حقوق بشر، حقوق شهروندی و به‌ویژه آموزش و پرورش اهمیت داده است که در جهان همبسته و رنگارنگ کنونی و در هر گوشه‌ای از جهان، می‌توان نشانه‌ها و نمادهای هر کدام از این گفتمان‌ها را جست‌وجو کرد و یافت.

ایران نیز، یافته‌ای جدیافته نیست و همان‌گونه که اندیشه‌های سیاسی گوناگون در آن جریان دارد گستره آموزشی‌اش نیز یک‌دست و یک‌نوا نیست. آموزش‌گاران و سیاست‌گذاران آموزشی آن هم، همگی یک جور نمی‌اندیشند. اما مسأله این است که گفتمان‌های سیاسی نوین ایران و به آموزش و پرورش آموزش و پرورش اهمیت داده اندیشه‌وران، کنشگران و دلدادگان به آنها، کمتر و آموزش و پرورش و پرورش‌آموزی اهمیت داده و می‌دهند و از این رو، کمتر می‌توان سخنی نواز آنها شنید. بگذریم از این که گاهی «روشنگرانی» یافت می‌شوند که نه بار شاطر آموزش و پرورش، بلکه بار خاطر آن می‌شوند! سال گذشته و در گرام‌گرم رای اعتماد مجلس سه وزیران دولت یازدهم، یکی از استان‌ها سرشناس دانشگاه و یونسده‌ای رسانه‌ای، سه سنجش آموزش عالی و آموزش و پرورش و پرداخت و سخنی گفت در این مایه که مهم نیست وزیر آموزش و پرورش که باشد یا که شود مهم این است که وزیر آموزش عالی چه کسی باشد! ایاری، در گفتمان‌های نوین سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، گویا آموزش و پرورش «در برانتز» است که خبر از گفتمانی نو در سرباره آموزش و پرورش آمده، به‌یاد می‌آید. هرچند این است، است، نمونه در یکی از سخنان پیشین محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری دوره اصلاحات، خواندم: «باید بچه‌هایی تربیت کنیم که به غیراز خدای بی‌بند بودن هم پیوند بینند... باید مدرسی ایجاد کرد...»

که در آن همزیستی میان گرایش‌های مختلف، دین‌های مختلف، مذاهب مختلف را نشان دهند و اسلام را در عرصه اجتماعی با دو عنصر قسط و اخلاق و غیر طریقات و رعایت تنبیه، یادشان دهیم متأسفانه حکومتی شدن مسأله آموزش و پرورش ابراز و اعمال سلیقه‌های خاص به حساب آوردن، آفت است. در فضای آموزش و پرورش باید آزادی وجود داشته باشد، تا در کنار سخنان می‌خواهیم به نوجوان و جوان ایرانی برسیم که محتوای درست‌تری از اسلام و تحول و توسعه راه‌بر فردانمان منتقل کنیم، تا چگونه در خیابان راه بروند و ضوابط و رعایت تنبیه، یادشان دهیم چگونه دیگران را تحمل کنند، یادشان دهیم انسان اهل گفت‌وگوست، یادشان دهیم نیاز مهم دنیای مصلح است. باید جامعه‌ارز شدیدی، گفتمان‌های خاتمی را در کنار سخنان

رئیس‌جمهوری حسن روحانی، در پیش از انتخابات یازدهم بیکاریم که در بخشی از آن گفت: «یجاد یک نظام آموزشی مناسب، عادلانه با پوشش فراگیر، و غیر طریقاتی و با کیفیتی است که بتواند آینده جامعه باشد، از وظایف حاکمیتی است، باید بر برد و منتی هم ندارد. وظیفه ما است که این نظام را به مسیر درست برگردانیم، من تصور می‌کنم ریشه این گونه مسائل را باید در نگاه سیاسی به آموزش و پرورش دید. همین نگاه است که رابطه مراکز تولید دانش درباره تعلیم و تربیت را با آموزش و پرورش ما قطع کرده است. این خیلی بد است و در نظام آموزش و پرورش ما به کلیه دستاوردهای علوم در زمینه تعلیم و تربیت، برنامه درسی و سایر حوزه‌های مرتبط با دیده شک و تردید نگاه می‌کنند. گویی این‌ها هیچ نسبتی با آموزش و پرورش ایران ندارند! از یک طرف تمام دستاوردهای علوم تربیتی و برنامه‌ریزی درسی جدید جهان را نفی می‌کنند و از طرف دیگر به شدت بر طبل هم‌سنجندسازی که دستاورد ابزایی و سخت‌افزاری دنیای جدید است می‌کوبند!» آیا می‌توان امیدوار بود که آهسته آهسته آموزش و پرورش درد نزدیک‌ترین دگان جامعه، ارزش‌راستین خود را می‌یابد و دستخوش دگرگونی گفتمانی می‌شود؟ و آیا کار به دستان آموزش و پرورش دولت یازدهم نیز، خواهند توانست لزوم یک گفتمان نوین آموزشی را، که جهانی بیندیشد اما بومی عمل کند، در یابند و در راستای آن گام برندارند؟

یا هنوز در سپهر آموزشی کهن و دیرینه خویش و به دور از دگرگونی‌های فرهنگی در متن و پدنه آموزش و پرورش کنونی کشور می‌زند و بی‌آنکه به سخن دانش آموز و آموزگار امروزی خوب گوش فراده‌اند دنبال ناخجایان‌های اندیشگی‌شان روان‌اند؟

دایره کلمات‌شان، کتاب، درس و مشق و بازی، نیست. مشروب است و مستی، ترامادول، نشنگی، دوا و خودکشی است. سن شان کم است، اما می‌دانند عرق چیست، سگی اش کدام است و موسیقی چه فرقی با آن یکی دارد. عکسی که روی پاکت‌های موسوم به «ساندیس» ها چسبیده، چه معنی دارد، آنها همه اینها را می‌دانند. حرف زیاد دارند برای گفتن، کودکان چندسال پیش با لودرها خرابش کردند، از نو ساختند، آسفالت کردند، تمیز کردند اما مردم‌شان را نتوانستند کاری کنند. همان‌ها دوباره راهشان را به سمت این محله‌ها، خانه‌ها، ساقی‌ها و دورهمی‌های مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر پیدا کردند، از نو ساختند، همان‌ها که سن شان به‌سختی به ۱۲، ۱۳ سال می‌رسد، در این محله‌ها دورهمی‌های عرق خوری، خاطره‌یاد دارندند خیلی چیزها دیده‌اند، پدر و برادران بزرگشان را دیده‌اند که وقتی مست می‌کنند، مواد می‌کشند، «دعا می‌گیرند»، کتک‌شان می‌زنند، آنها باهمین‌ها باهمین تصویرها بزرگ می‌شوند. کودکان محله‌های حاشیه‌ای تهران، اغلب مهاجرند، خانواده‌هایشان عرق اعتیاد، آنها از شهرهای دیگر آلوده‌اند، بی‌پولی‌شان سبب شده تا قایمی و رفقای پدرانشان نشسته‌اند و آدم‌های مست زیاد دیده‌اند. مزه‌اش را می‌شناسند، تلخ است، مثل زندگی «محبوبه» که به اصرار همه‌اش، چندین بار از این نوشیدنی‌ها خورده یا «حمید» که برای کامل شدن تفریح پدرش، چند بیکری زده، مست شده، اما در آورد، تا آنها را بخنداند. در کوچه پس‌کوچه‌های خاک‌سفید جایی که ۱۵، ۱۶ سال پیش بولونزها آمدند و دیوارها خانه‌هایش را فروریختند، حالا شناسایی کودکانی که الکل مصرف می‌کنند، سخت است.

حک سفید، کوچه پس‌کوچه زیاد دارد، کوچه‌های خاک و آمدستان را راحت‌تر می‌کنند، پنهان شدنشان زیر تیرهای چراغ برق یا گوشه پارک، حالا چند سالی می‌شود که مصرف مشروبات الکلی بین کودکان سفیدپه این محله، شایع است. کودکان ۱۲، ۱۳ ساله برای خانواده‌هایشان و حتی خودشان، یعنی بزرگ‌ها کودکانی که از ۶، ۵ سالگی در خیابان‌ها، چهارراه‌ها، دستفروشی کرده‌اند، کار کرده‌اند، ۱۳ ساله دیگر برایشان کدوک نیست، آنها در همین سن و سال ازدواج می‌کنند، بچه دار می‌شوند. همین سن و سالشان، در آنها مجوز سیگار، قلیان کشیدن، مواد زدن و مشروب خوردن را می‌دهد. برایشان همه اینها نشانه‌های بزرگی است. مردانگی است.

احمد، ۱۲ سال بیشتر ندارد، از همین کودکان است، کار نمی‌کند، اما زیر تمام ناخن‌هایش سیاه است، حالا دوسالی می‌شود که تابستان‌ها به خانه‌های جمعیت‌امام علی (ع) در خاک سفید می‌آید. او خانواده‌اش سال‌ها پیش به تهران آمد، از همان اول هم حاشیه‌نشین بودند. کلاس چهارم است، پشت مدرسه‌شان، همیشه با توتک هم کلاسی‌هایش بوده که از این نوشیدنی‌ها می‌خورند. برای آن که مست نشوند، ماه‌شمیری هم به آن اضافه می‌کنند، چند باری هم راهشان رفته، بدون این که شریک شان شود. «تفریحی می‌خورند، بعضی‌ها هم وقتی اعصابشان به هم می‌ریزد، از این کارها می‌کنند.» خودش هم گاهی سیگار می‌کشد. «با مادرم که دعوام می‌شاه، مصرف نمی‌کنم. شش به‌نیگی‌ها» امیر، سن و سالی ندارد، می‌گوید ۱۲ سالش است، «۱۱ ساله‌ام، اما جلوسی بچه‌ها می‌کنم. ۱۳ مدتی است که به خانه‌های مصرف‌کننده‌ها می‌روم، حالا رنگ تفریح‌شان است. عمومی‌ام هم خوردن می‌خورم، ماه به‌پسر ۱۱ ساله‌اش می‌دهد. «بیکار شامین کریم گفته بود، باباش بهش عرق داد.» برای خانواده اینها عرق خوری کودکان فاجعه‌نیم، گران‌ترین هم ندارد.

آنها یکبار جلوی پدر و مادرشان عرق می‌خورند، چند باری هم پنهانی حساسیتی وجود ندارد. نیما مختاریان که از نزدیک می‌بیند کودکان سفیدپه‌ای این منطقه چطور قربانی شده‌اند، می‌گوید: «این مسائل به یک منطقه و محله خاصی محدود نمی‌شود، هر کجا آسیب باشد، این مسائل هم وجود دارد، ما حتی بین کودکان کم سن هم مصرف این مواد و مشروبات را می‌بینیم.» کودکان ۱۰ ساله‌ای که هفته گذشته گزارش مسمومیتش به گوش مسئولان خانه علم خاک سفید جمعیت امام علی (ع) رسید، تنها یکی از اتفاقات غیرانگیزی است که در کوچه پس‌کوچه‌های شرق تهران، برخی‌ها می‌دهد. مختاریان از کودکانی که می‌گوید که به‌طور مستمر، الکل مصرف می‌کردند، تعدادی از آنها جزو بچه‌هایی بودند که در یک دوره‌ای برای پاک‌گیری به خانه علم خاک سفید می‌آمدند اما بعدتر، رها کردند و دیگر خبری از آنها نیست.

علیرضا، یکی از آنهاست، ۱۴ ساله، بیک موتور است، دو سالی به خانه علم خاک سفید جمعیت امام علی (ع) می‌آمد، اما آن قدر مشکلات مالی‌اش زیاد بود که دیگر نتوانست ادامه دهد. مصرفش دایمی بود. همیشه در داشت، بوی بد دهان، مستی خفیف همیشه به‌نام هم قبلاً خانه علم می‌آمد. مصرف عمومی محمد بود. محمد چند باری او را دیده بود که حالت عادی ندارد. «هنام، قبلاً این‌جا «خانه علم» می‌آمد، اما اول کرد، به خاطر عرق خوری، یک‌بار به من گفت من خجالت می‌کشم این جایبام، دیگه نیومدم.» محمد، بچه‌های درآمده بود که به خاطر مصرف نوشیدنی‌های الکلی، دل درد و سردرد گرفته‌اند. حالت تهوع داشته‌اند، اما حرفی نزدند. «یکی از دوستانم به من گفت برقم عرق بخوریم، اما مادرم نماز می‌خونه، من از این کار نمی‌کنم.» پیشین‌ها زیاد داشته، مثلاً همان پسر عموش، همان که یک بار از همین نوشیدنی‌ها خورده و حالش بد شده بود و کارش به بیمارستان

«شهروند» از مصرف مشروبات الکلی در میان کودکان آسیب دیده «خاک سفید» و «شوش» گزارش می‌دهد

اعتراض «تلخ» کودکان به زخم‌های جامعه

زهرا جعفرزاده | خبرنگار



عکس: شهر واد / امیر حبیبیان

کشیده، اما بیمارستان قبولش نکردیم و جای دیگری بردش.» محمد، می‌داند، «عرق همش اسیده، آمو می‌گیرد، بوش بده.» او حرف‌های بیشتری می‌زند. «ساندیس» ها، همون ویسکی هستند، دونه‌ای ۵ هزار تومن می‌فروشن، روش عکس سگ و روباه و گربه داره. بعضی‌هاشم عکس میوه‌اس، مثل موز. این طعمشو نوشون می‌اونی که سگ داره، عرق سگیه. اون‌ی که روباه داره، سنگین‌تر از بقیه‌اس.»

کودکان خاک سفید اغلب با مهاجر هستند، باغیان. تعداد مهاجران اما خیلی بیشتر است، ۹۰ درصدشان دختر و پسرهای این خانواده‌ها مهاجر و حاشیه‌نشین حاشیه‌نشین‌شوند. خاک سفیدسال‌هاست که از شکل و شمایل قبلی خارج شده، مردم‌ش همان‌ها هستند، سفید شاد، دهان‌ها سفید، جدیدی‌ها آمده‌اند، باهمان آسیب‌ها و نشاند هم کمی بیشتر. «قومیت‌های که از شهرهای دیگر به این‌جا می‌آیند، فرهنگ خیلی‌سخت‌نشین رویشان اثر می‌گذاره، خبیشی از این‌ها معلوم نیست.»

در این محله، «ساندیس» ها را همه‌جا می‌شود پیدا کرد، کودکان ۱۴، ۱۵ ساله، به راحتی از آنها خرید می‌کنند، حتی راحت‌تر از کتاب درسی‌شان. بعضی مشتری‌ها می‌آیند، دست‌رسی که آسان باشد، مصرف هم زیاد می‌شود، مصرف یک سالی هم آسان است. «این کودکان باالا می‌رود. بیشتر این مشروبات الکلی، از عرق سگی گرفته تا ویسکی... دست‌ساز هستند، آنها را در خانه‌ها می‌سازند، در یکی از صدها بیغوله شرق، غرب یا جنوب تهران، هر کجا باشد، بازران‌ترین وسایل برای خودشان کاسبی راه می‌اندازند، به‌سختی می‌کنند. مواد نامرغوبی که «قاتلی» زیاد دارند و مجاری اداری مصرف‌کننده‌ها را عفونی می‌کند، نوعش را هم با عکس حیوانی، میوه‌ای مشخص می‌کنند، یک سالی هم آنها را در همان محدوده می‌فروشد. مشتری‌هایشان زیاد است. برایشان فرقی نمی‌کند، کم سن باشد، یا سن بالا که به‌پول دهده، مشتری است.

مشروبات الکلی دست‌ساز، در دسر زیاد دارد، کم نیست آمار مسمومیت‌های ناشی از مصرف این نوع الکل‌ها، مسمومیت‌ها گاهی به جایی می‌رسد که جان مصرف‌کننده را می‌گیرد. مرگ ۲۰ نفر به خاطر مسمومیت ناشی از مصرف الکل، در ۷ ماهه اول سال ۹۱، تنها بخشی از این آمارهاست. حالا وقتی پای کودکان به این ماجرا باز شود، به‌طور قطع آسیب‌ها تشدید می‌گردد. مگر با بیشتر می‌شود کوری کامل، تازی دید، تنگی نفس، گیجی، استفراغ، دردهای شکمی و آسیب‌شدید اعصاب اندام‌ها، تنها بخشی از عوارض مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز است. الکل‌های که برای فروش بیشتر یا برای تولید مواد، استامینوفن و انواع دیگر آرام‌بخش‌ها آلوده می‌کنند.

«موسی هفت‌رنگ» را همه اهالی محل می‌شناسند، او ۶ برادرش ساقی عرفند. حاشیه‌ش شهر، ساقی زیاد دارد، آنها با مواد مخدر می‌فروشند یا مشروبات الکلی، هم‌شان هم بیخ گوش ماموران پلیس. آنها همه اینها را می‌بینند، ساقی‌هایی که می‌روند و می‌آیند و مشتری پیدا می‌کنند، مشتری‌های که گوشه و کنار پارک‌ها دور هم جمع می‌شوند، مواد می‌زنند، مشروب می‌خورند، همه اینها را می‌بینند. اما از خوردن‌شان طوری نیست که اینها دیگر نباشند. مختاریان، مسئول خانه علم خاک سفید، جمعیت امام علی از اقدامات پلیسی در این محله گلایه می‌کند. «گاهی این‌جا پلیس کارهای می‌کند، عملیاتی اجرامی کند، چهار تا خودروی فروری مواد مخدر را می‌گیرند، می‌فرستند زندان، غافل از این که بازار مواد مخدر یا مشروب را این چند خرده‌فروش اداره می‌کنند.»

کودکان آسیب‌دیده خاک سفید هم خیلی چیزها می‌بینند. خیلی حرف‌ها دارند، ماجراهای کشیدن مواد مخدر و سیگار، تا مصرف نوشیدنی‌های الکلی، برای این کودکان زیاد است. در کوچه پس‌کوچه‌های محله‌شان که حالا پر شده از این تصویرها پر است. «چند روز پیش چند تا پسر دیدم ز سایه‌بون

پارک نشسته بودن برای خودشان می‌خورند و سیگار می‌کشیدن. ۱۳، ۱۴ ساله بودند.» این‌را مجتبی می‌گوید، او دوست‌ش، حداقل یک بار تجربه مصرف مستقیم یا غیر مستقیم مشروبات الکلی را داشته‌اند. «یک بار چند تا از دوستانم توی چپیس ریخته بودن، خوردم مزه‌اش تلخ بود، حالت تهوع به من دست داد.» مجتبی، می‌گوید: «پدر و مادری خیلی بارشون، این چیزها مهم نیست، همین که پسر یا دخترشون، مواد نکشند برایشون کافیه.» می‌گوید: «مرتضی، ۷ ساله و جلوی باباش می‌خوره.»

دختر و پسرهای این خانواده‌ها مهاجر و حاشیه‌نشین حاشیه‌نشین‌شوند. خاک سفید سال‌هاست که از شکل و شمایل قبلی خارج شده، مردم‌ش همان‌ها هستند، سفید شاد، دهان‌ها سفید، جدیدی‌ها آمده‌اند، باهمان آسیب‌ها و نشاند هم کمی بیشتر. «قومیت‌های که از شهرهای دیگر به این‌جا می‌آیند، فرهنگ خیلی‌سخت‌نشین رویشان اثر می‌گذاره، خبیشی از این‌ها معلوم نیست.»

بزرگ زندگی را از مشروب خوردن و مواد کشیدن تا ازدواج‌های زودهنگام، خشونت، آسیب و... دخترها کمتر اما پسران، پنهانی یا علنی مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، برایشان فرقی نمی‌کند. مادهاش چیست، کجا درست شده، حاشیه‌نشین که تلخ باشد، مست‌شان کند و ادای بزرگترها در بیابند، کافی است. مسئول خانه علم خاک سفید جمعیت امام علی (ع)، دلیل اصلی گرایش این کودکان به مشروبات الکلی و مواد مخدر را بچران هویت‌شان می‌داند. «این کودکان مشروبات الکلی می‌خورند، چون در آن‌ها به سمت مصرف قلیان و مواد و مشروبات الکلی می‌برند.» حالا چند سالی است که مددکاران خانه‌های مشروبات الکلی می‌شوند. همین بچران هویت است که در کودکی تعریف کرده‌اند، با دوره‌های موسیقی، ورزش، تئاتر، نقاشی و... کار ماهویت دادن به این کودکان است. مشروبات الکلی می‌کشند، می‌خورند، یک سالی هم آنها را در همان محدوده می‌فروشد. مشتری‌هایشان زیاد است. برایشان فرقی نمی‌کند، کم سن باشد، یا سن بالا که به‌پول دهده، مشتری است.

مشروبات الکلی دست‌ساز، در دسر زیاد دارد، کم نیست آمار مسمومیت‌های ناشی از مصرف این نوع الکل‌ها، مسمومیت‌ها گاهی به جایی می‌رسد که جان مصرف‌کننده را می‌گیرد. مرگ ۲۰ نفر به خاطر مسمومیت ناشی از مصرف الکل، در ۷ ماهه اول سال ۹۱، تنها بخشی از این آمارهاست. حالا وقتی پای کودکان به این ماجرا باز شود، به‌طور قطع آسیب‌ها تشدید می‌گردد. مگر با بیشتر می‌شود کوری کامل، تازی دید، تنگی نفس، گیجی، استفراغ، دردهای شکمی و آسیب‌شدید اعصاب اندام‌ها، تنها بخشی از عوارض مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز است. الکل‌های که برای فروش بیشتر یا برای تولید مواد، استامینوفن و انواع دیگر آرام‌بخش‌ها آلوده می‌کنند.

«موسی هفت‌رنگ» را همه اهالی محل می‌شناسند، او ۶ برادرش ساقی عرفند. حاشیه‌ش شهر، ساقی زیاد دارد، آنها با مواد مخدر می‌فروشند یا مشروبات الکلی، هم‌شان هم بیخ گوش ماموران پلیس. آنها همه اینها را می‌بینند، ساقی‌هایی که می‌روند و می‌آیند و مشتری پیدا می‌کنند، مشتری‌های که گوشه و کنار پارک‌ها دور هم جمع می‌شوند، مواد می‌زنند، مشروب می‌خورند، همه اینها را می‌بینند. اما از خوردن‌شان طوری نیست که اینها دیگر نباشند. مختاریان، مسئول خانه علم خاک سفید، جمعیت امام علی از اقدامات پلیسی در این محله گلایه می‌کند. «گاهی این‌جا پلیس کارهای می‌کند، عملیاتی اجرامی کند، چهار تا خودروی فروری مواد مخدر را می‌گیرند، می‌فرستند زندان، غافل از این که بازار مواد مخدر یا مشروب را این چند خرده‌فروش اداره می‌کنند.»

کودکان آسیب‌دیده خاک سفید هم خیلی چیزها می‌بینند. خیلی حرف‌ها دارند، ماجراهای کشیدن مواد مخدر و سیگار، تا مصرف نوشیدنی‌های الکلی، برای این کودکان زیاد است. در کوچه پس‌کوچه‌های محله‌شان که حالا پر شده از این تصویرها پر است. «چند روز پیش چند تا پسر دیدم ز سایه‌بون

این نوشیدنی‌ها زیاد می‌خورند، شرط‌بندی می‌کنند، شب‌ها، کودکان خسته از کار نمی‌خوانند، قمار بازی، عرق خوری و مواد کشیدن خانواده‌شان را می‌بینند. مادرانشان یا خانه‌دار هستند یا معتاد، تکلیف پدرانشان هم معلوم است. عطفه صحرائی، یکی از مددکاران خانه علم لب‌خط جمعیت امام علی (ع) اینها را می‌گوید، او از این کودکان زیاد دیده، ساقی‌ها را روز و شب در این منطقه می‌بیند، از این که کسی جلوشان را نمی‌گیرد، شاکی است. «این افراد به وفور در این منطقه هستند، خیلی‌هایشان ساکنان همین جا هستند.» هر چه می‌گذرد، شرایط بدتر می‌شود، اگر تاپیش از این مصرف مواد، در بین کودکان قیچی داشت، حالا دیگر نه تنها همان هم وجود ندارد که مصرف مشروبات الکلی هم به آن اضافه شده.

سجاد، ۱۳ سال بیشتر ندارد، مدرسه که نمی‌رود، سواد درست و حسابی ندارد، اما از جزئیات خرید و فروش مشروبات الکلی خبر دارد. «بچه‌های قایل‌ماز مستقیم یا غیر مستقیم مشروبات الکلی را داشته‌اند. «یک بار چند تا از دوستانم توی چپیس ریخته بودن، خوردم مزه‌اش تلخ بود، حالت تهوع به من دست داد.» مجتبی، می‌گوید: «پدر و مادری خیلی بارشون، این چیزها مهم نیست، همین که پسر یا دخترشون، مواد نکشند برایشون کافیه.» می‌گوید: «مرتضی، ۷ ساله و جلوی باباش می‌خوره.»

دختر و پسرهای این خانواده‌ها مهاجر و حاشیه‌نشین حاشیه‌نشین‌شوند. خاک سفید سال‌هاست که از شکل و شمایل قبلی خارج شده، مردم‌ش همان‌ها هستند، سفید شاد، دهان‌ها سفید، جدیدی‌ها آمده‌اند، باهمان آسیب‌ها و نشاند هم کمی بیشتر. «قومیت‌های که از شهرهای دیگر به این‌جا می‌آیند، فرهنگ خیلی‌سخت‌نشین رویشان اثر می‌گذاره، خبیشی از این‌ها معلوم نیست.»

بزرگ زندگی را از مشروب خوردن و مواد کشیدن تا ازدواج‌های زودهنگام، خشونت، آسیب و... دخترها کمتر اما پسران، پنهانی یا علنی مشروبات الکلی مصرف می‌کنند، برایشان فرقی نمی‌کند. مادهاش چیست، کجا درست شده، حاشیه‌نشین که تلخ باشد، مست‌شان کند و ادای بزرگترها در بیابند، کافی است. مسئول خانه علم خاک سفید جمعیت امام علی (ع)، دلیل اصلی گرایش این کودکان به مشروبات الکلی و مواد مخدر را بچران هویت‌شان می‌داند. «این کودکان مشروبات الکلی می‌خورند، چون در آن‌ها به سمت مصرف قلیان و مواد و مشروبات الکلی می‌برند.» حالا چند سالی است که مددکاران خانه‌های مشروبات الکلی می‌شوند. همین بچران هویت است که در کودکی تعریف کرده‌اند، با دوره‌های موسیقی، ورزش، تئاتر، نقاشی و... کار ماهویت دادن به این کودکان است. مشروبات الکلی می‌کشند، می‌خورند، یک سالی هم آنها را در همان محدوده می‌فروشد. مشتری‌هایشان زیاد است. برایشان فرقی نمی‌کند، کم سن باشد، یا سن بالا که به‌پول دهده، مشتری است.

مشروبات الکلی دست‌ساز، در دسر زیاد دارد، کم نیست آمار مسمومیت‌های ناشی از مصرف این نوع الکل‌ها، مسمومیت‌ها گاهی به جایی می‌رسد که جان مصرف‌کننده را می‌گیرد. مرگ ۲۰ نفر به خاطر مسمومیت ناشی از مصرف الکل، در ۷ ماهه اول سال ۹۱، تنها بخشی از این آمارهاست. حالا وقتی پای کودکان به این ماجرا باز شود، به‌طور قطع آسیب‌ها تشدید می‌گردد. مگر با بیشتر می‌شود کوری کامل، تازی دید، تنگی نفس، گیجی، استفراغ، دردهای شکمی و آسیب‌شدید اعصاب اندام‌ها، تنها بخشی از عوارض مصرف مشروبات الکلی دست‌ساز است. الکل‌های که برای فروش بیشتر یا برای تولید مواد، استامینوفن و انواع دیگر آرام‌بخش‌ها آلوده می‌کنند.

«موسی هفت‌رنگ» را همه اهالی محل می‌شناسند، او ۶ برادرش ساقی عرفند. حاشیه‌ش شهر، ساقی زیاد دارد، آنها با مواد مخدر می‌فروشند یا مشروبات الکلی، هم‌شان هم بیخ گوش ماموران پلیس. آنها همه اینها را می‌بینند، ساقی‌هایی که می‌روند و می‌آیند و مشتری پیدا می‌کنند، مشتری‌های که گوشه و کنار پارک‌ها دور هم جمع می‌شوند، مواد می‌زنند، مشروب می‌خورند، همه اینها را می‌بینند. اما از خوردن‌شان طوری نیست که اینها دیگر نباشند. مختاریان، مسئول خانه علم خاک سفید، جمعیت امام علی از اقدامات پلیسی در این محله گلایه می‌کند. «گاهی این‌جا پلیس کارهای می‌کند، عملیاتی اجرامی کند، چهار تا خودروی فروری مواد مخدر را می‌گیرند، می‌فرستند زندان، غافل از این که بازار مواد مخدر یا مشروب را این چند خرده‌فروش اداره می‌کنند.»

کودکان آسیب‌دیده خاک سفید هم خیلی چیزها می‌بینند. خیلی حرف‌ها دارند، ماجراهای کشیدن مواد مخدر و سیگار، تا مصرف نوشیدنی‌های الکلی، برای این کودکان زیاد است. در کوچه پس‌کوچه‌های محله‌شان که حالا پر شده از این تصویرها پر است. «چند روز پیش چند تا پسر دیدم ز سایه‌بون

کودکان آسیب‌دیده خاک سفید هم خیلی چیزها می‌بینند. خیلی حرف‌ها دارند، ماجراهای کشیدن مواد مخدر و سیگار، تا مصرف نوشیدنی‌های الکلی، برای این کودکان زیاد است. در کوچه پس‌کوچه‌های محله‌شان که حالا پر شده از این تصویرها پر است. «چند روز پیش چند تا پسر دیدم ز سایه‌بون

رویت خط خبر

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران خبر داد **جریمه ۵۰ هزار تومانی و نمره منفی تاوان بی‌توجهی به دستور پلیس مدرسه**

رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ صبح دیروز با حضور در یکی از مدارس دخترانه ضمن نواختن زنگ آغاز سال تحصیلی جدید بر ضرورت پیروی از دستورات پلیس مدرسه از سوی رانندگان تأکید کرد. سرهنگ تیمور حسینی دیروز با حضور در مدرسه دخترانه شایستگان ضمن تیریک‌باز سال تحصیلی جدید به ضرورت استفاده از سرویس‌های مجاز مدارس از سوی والدین و مسئولان آموزش و پرورش اشاره کرد و افزود: به والدین هشدار می‌دهم که حتماً برای جابه‌جایی فرزندان‌شان از رانندگان و خودروهایی استفاده کنند که دوره‌های آموزشی را گذرانده و دارای برگه‌های معاینه‌فنی و برچسب سرویس مدرسه هستند. حسینی در ادامه تعدادی از دانش‌آموزان این مدرسه را به‌عنوان پلیس مدرسه اعلام کرد و گفت: بحث پلیس مدرسه و همیاران پلیس موضوعی است که علاوه بر این که مسئولیت‌پذیری را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد در بحث ترافیک و کاهش حوادث رانندگی نیز به کمک پلیس آمده است. وی با تأکید بر نقش و جایگاه پلیس مدرسه اظهار کرد: برخی پلیس مدرسه فعالیت دانش‌آموزان را قالب پلیس‌را جادی نمی‌گیرند و گاهی دیده‌شده که رانندگان به دستور ایست مدرسه و فرمان‌های پلیس مدرسه بی‌توجهند و همین دلیل لازم می‌باشد تأکید کنم در صورتی که هر یک از رانندگان از دستور پلیس مدرسه نمرد و یا جدول تخلفات برخط رانندگی می‌کنند و این موضوع از سوی پلیس مدرسه به اطلاع ماموران راهور برسد، برای راننده متخلف جریمه و نمره منفی صادر خواهد شد. رئیس پلیس راهور تهران بزرگ ادامه داد: بر همین اساس برابر بند ۱۹ جدول تخلفات برخط رانندگی می‌تواند به فرمان ایست پلیس مدرسه علاوه بر جریمه ۵۰ هزار تومان، سه نمره منفی برای خودروهایی شخصی و نمره منفی برای خودروهای عمومی و سنگین صادر می‌شود. همچنین برای ابتدای سخنانش به بیان خاطراتی از دوران تحصیل خود پرداخت و دانش‌آموزان خواست فرصت تحصیل را مقتمل شده و از آن بهره‌کافی را ببرند، چرا که دوران تحصیل را مهم‌ترین دوران زندگی هر فرد محسوب می‌شود.

با کمک روش جدید پیوند تخمدان زنان بالای ۴۰ سال هم می‌توانند باردار شوند

شهروند | رئیس مرکز تحقیقات سلولی صرم با بکارگیری روش نوینی خبر داد که براساس آن می‌توان با نمونه‌برداری از تخمدان یک زن در سنینی که هنوز قادر به باروری است و فریز آن این امکان را فراهم کرد که فرد در آینده و در زمان مناسب بتواند صاحب‌فرزند شود. ابوطالب صرامی در توضیح بیشتر گفت: این روش همچنین کمک می‌کند که زنان با حفظ بافت تخمدانی از طریق نمونه‌برداری و فریز و بکارگیری آن در آزمایشگاه، بتوانند از استروژن خود به‌جای داروهای شیمیایی بهره‌گرفته، دچار عوارض یائسگی نشوند. او اشاره به این‌که این روش انقلابی در علم پزشکی محسوب می‌شود، افزود: روش پیوند تخمدان سبب حفظ پتانسیل تولیدمثل زن‌ها از طریق تأمین هورمون‌های خود فرد می‌شود که تا دوام سلامت زنان را به همراه دارد. به‌گفته‌صرامی در این روش از طریق لاپاراسکوپیک بخشی از بافت تخمدان به اندازه یک سانت و به قطر یک میلیمتر به صورت ورقه جدا و سپس بافت مذکور فریز می‌شود. رئیس مرکز تحقیقات سلولی صرام ادامه داد: اگر زنی که بافت تخمدان او فریز شده، تمایل به بارداری به روش طبیعی طی سال‌های بعدی (بالای ۴۰ سال) را داشته باشد، می‌توان پس از خروج بافت در حالت انجماد، آن را مجدد به تخمدان پیوند زد و در صورتی که وی خواستمان بارداری به کمک روش IVF باشد، می‌توان با کاشت یک لایه از بافت تخمدان در زیر پوست دست یا با بدون نیاز به پیوند تخمدان، شرایط را فراهم کرد که او بتواند به روش آزمایشگاهی صاحب‌فرزند شود. تمایل به بارداری به روش طبیعی طی سال‌های بعدی (بالای ۴۰ سال) رسیده و تصمیم به فرزندآوری به حدود ۴۰ سالگی و این‌که در این سنین ذخیره تخمدان‌ها به‌لحاظ کمی و کم‌کی روبه کاهش بوده، حتی در صورت بارداری، شانس سقط به‌خصوص سقط‌های مکرر در این زنان بیشتر است، بهره‌گیری از این شیوه به دختران جوان توصیه می‌شود.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری محمودآباد نمونه (استان قزوین) در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۲۲۱/ م / ش مورخ ۹۳/۵/۱۲ شورای اسلامی شهر مسجد به اجرای پروژه بهسازی و زیرسازي معابر سطح شهر محمود آباد نمونه با اعتباری بالغ بر ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال از محل اعتبارات عمرانی اقدام نماید. لذا از شرکتها و پیمانکاران واجد شرایط دعوت می گردد حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از انتشار آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به شهرداری محمودآباد نمونه واقع در **خیابان دکتر حسایی مراجعه نمایند. ضمناً شهرداری در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است و هزینه انتشار آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.**

احمد پور

شهر دار محمود آباد نمونه

www.shahrvand-newspaper.ir